



دنیانه روایت تصویر

در محضر بزرگان

عبادت ما عبادت است یا عادت؟!

شهید مطهری با این مقدمه که از کجا بفهمیم که عبادت ما «عبادت» است نه «عادت» می فرمایند:
«اخلاق معنایش این است که انسان اراده خودش را بر عادات و بر طبایع خود غلبه بدهد یعنی اراده را تقویت کند به طوری که اراده بر آن ها حاکم باشد. حتی اراده باید بر عادات خوب هم غالب باشد، چون کار خوب اگر کسی به آن عادت پیدا کرد خوب نیست، مثلاً ما باید نماز بخوانیم اما نباید نماز خواندن ما شکل عادت داشته باشد. از کجا بفهمیم که نماز خواندن ما عادت است یا نه؟ باید ببینیم آیا همه دستورات خدا را مثل نماز خواندن انجام می دهیم؟ اگر این طور است، معلوم می شود که کار ما به خاطر امر خداست. اما اگر ربا را می خوریم و در عین حال، نماز را هم با نافله هایش می خوانیم، یا اگر خیانت به امانت مردم می کنیم ولی زیارت عاشورايمان هم ترک نمی شود، می فهمیم که این ها عبادت نیست، عادت است. برگرفته از کتاب اسلام و نیازهای زمان، ج ۱، ص ۲۱۱

پند نیکان



داستانک طنز

اوج تفاهم نداشتن یک زوج!

زن و مردی مشکلات متعددی در زندگی مشترک شان داشتند و در نهایت تصمیم گرفتند بعد از مدت کوتاهی به زندگی مشترک خود پایان بدهند. بعد از تلاش های مختصری که همراه با یک مشاور برای حفظ زندگی شان داشتند، در نهایت تصمیم گرفتند به دادگاه مراجعه کنند و از یکدیگر جدا شوند. قاضی از مرد پرسید: «چیز چه باعث شد که به این مرحله برسدی که نتوانید به زندگی مشترک خود ادامه دهید؟» مرد پاسخ داد: «در طی این شش هفته که ما با یکدیگر زندگی کردیم ما حتی نتوانستیم درباره یک موضوع با یکدیگر به توافق برسیم.» زن گفت: «البته هفت هفته بوده نه شش هفته!» ترجمه: فرنگیس یاقوتی

حکایت

موشی برای آزمایش امانتداری!

در کتاب نزهة المجالس است که شاگردی گمان قوی داشت که استادش اسم اعظم دارد و اصرار می کرد که استاد او را تعلیم دهد. روزی استاد برای آزمایش، کوزه ای سر بسته به او داد تا برای فلان شخص هدیه برد و او امانتداری کند. شاگرد در وسط راه خواست ببیند که درون کوزه چیست؟ چون سر کوزه را باز کرد، دید موشی زنده بیرون پرید. شاگرد با کمال غضب نزد استاد رفت و لب به اعتراض گشود. استاد تبسمی نمود و گفت: می خواستم با این آزمون به تو بفهمانم کسی که این قدر امانتدار نیست که موشی را حفظ کند، چطور می تواند اسم اعظم را حفظ کند. برگرفته از کتاب «وسيلة النجاة»، صفحه ۱۰۷

بریده کتاب

دوست داشتن عیب نیست!

دوست داشتن که عیب نیست بابا جان. دوست داشتن دل آدم را روشن می کند اما کینه و نفرت دل آدم را سیاه می کند. اگر از حالا دلت به محبت انس گرفت، بزرگ هم که شدی آماده دوست داشتن چیزهای خوب و زیبایی دنیا هستی. دل آدم عین یک باغچه پر از غنچه است، اگر با محبت غنچه ها را آب دادی باز می شوند، اگر نفرت ورزیدی غنچه ها پلاسیده می شوند. برگرفته از کتاب «سوشون»، اثر «سیمین دانشور»

فتو نکته



اندک صبر

چای یا نسکافه؟!

چای دم کن
خسته ام از تلخی نسکافه ها
چای با عطر هل
و گل های قوری بهتر است

حامد عسکری

دور دنیا

فروش قطعات موتور به جای خودش!



دلیل این که بسیاری از مردم علاقه مند به استفاده از این موتور ها هستند اما توان مالی خرید آن را ندارند، دست به کار عجیبی زده است و قطعات موتور را به صورت جداگانه می فروشد! قیمت هر بطری از این قطعات در محلول خاصی نگهداری می شود و تا بیدیه سازمان بهداشت جهانی را دارد، هزار دلار است!

عاشق پیر دیده شدن!



آدیتی سنترال/ افراد زیادی در دنیا هستند که هزینه های گزافی برای جوان تر نشان دادن خودشان می کنند اما یک مرد لهستانی عاشق این است که پیرتر دیده شود و از این که دیگران سن او را بالاتر از سن واقعی حدس بزنند، لذت می برد. این جوان ۳۵ ساله، به صورت مدام موهایش را رنگ سفید می زد و بیش از ۳۳۰ هزار فالوئر اینستاگرامش او را ۵۰ تا ۶۰ ساله می دانند. حالا و به سرعت محبوبیت «پاول» در شبکه های اجتماعی به دلیل همین کارش رو به افزایش است!

شسته شدن لباس همزمان با دوش گرفتن!



تاکسل/ شاید یکی از آرزوهای بشر این بوده است که همزمان با دوش گرفتن، لباس هایش هم شسته و خشک شود و بتواند دوباره همان ها را بپوشد. به تازگی یک شرکت ساخت وسایل خانگی در آلمان دست به خلاقیات جالبی زده و دوش قابل حمل ساخته است که یک ماشین لباس شویی هم به آن متصل است. جالب تر این که آب مورد نیاز این ماشین لباس شویی از آب هدر رفته برای دوش گرفتن، تامین می شود. حداکثر زمان مورد نیاز برای شسته و خشک شدن لباس ۲۰ دقیقه است!

برخورد شهاب سنگ با حیاط خانه!



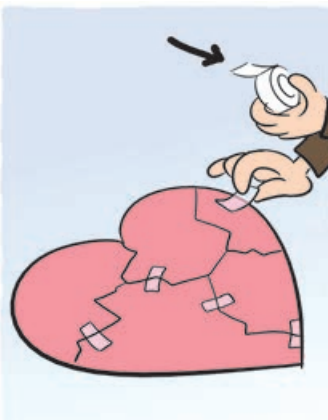
میرور/ فرض کنید در خانه تان نشسته اید و ناگهان صدای بسیار مهیبی، آرامش تان را به هم می زند. به طور طبیعی از پنجره بیرون را نگاه می کنید تا دلیل آن را بفهمید و شاید اگر متوجه دلیل صدای بلند نشوید، از خانه خارج شوید تا دور و برتان را نگاهی ببیند زید. این ماجرا ها برای «جی سیلون» آمریکایی اتفاق افتاده است. او به تصور این که تصادف شدیدی بیرون از خانه اش رخ داده، بیرون آمده اما با دیدن یک گودال ۵۰ سانتی متری در حیاط خانه اش شوکه می شود. کمی آن طرف تر هم سنگی بزرگ، توجه اش را جلب می کند و متوجه می شود که دلیل این صدا، برخورد شهاب سنگ با حیاط خانه اش بوده است.

مسابقه شماره ۱۷۹

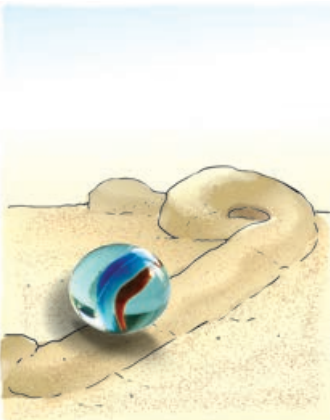
1sargarmi.ir

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم.

شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت



÷ = - / }



! - * x (



÷ * ÷ ! x



شعر طنز

آن چه گذشت

رفت اصغر سر قرار خودش گفت کبری شما که دامادی گفت اصغر: «به روی چشمانم ای تو زیدان توی میدانم بعد خواندند هر دو شعر سپید اصغر و کبری چو کردند ازدواج چون که صغری جنبه خوبی نداشت ثروت انبوه اصغر را گرفت

قسمت سوم ماجرا به سبک سریال های مناسبتی!

چون که شد اصغر خراب و ورشکست «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش فکرش از حرکات کبری هنگ بود رد شد از آن کوچه صغری ناگهان هول شد اصغر لباسش پاره شد کرد اصغر با سری پایین سلام گفت اصغر: «پاره شد پیراهنم گفت صغری: «گشتم با خیاط» من می برم پیراهنت را اصغر گفت بعد می آیم تو هم آن را بپوش» بود اصغر مثل سابق آس و پاس اصغر ک پیراهنت تعمیر شد گفت اصغر: «من پشیمانم عزیز من خطاها کردم من را ببخش گفت صغری: «بنده هم بد کرده ام الغرض کردند آن دو ازدواج گشت اصغر کشمش و صغری نخود امیرحسین خوش حال

از «۲سوت» تا «۱۱ساعت»!

سلام. توی این مسابقه، هم شرکت کننده «عام» زیاد داریم هم شرکت کننده «خاص»! یکی از خواص ۱۴۶... ۰۹۳۷۰ هستن با ۱۰۸ پیامک که آخرین اینه: «تشرشویی، گوگرد، برشته. زمان: ۷ دقیقه. اگر زمان های الاحقر را میناقرا دهید می فهمید که کدام خفن آسان یا مشکل بوده. عزت زیاده. تصمیم گرفته بعضی از پیامک های قبلی شون رو برای شما هم منتشر کنم: سیمرغ، بندرود، افسرده، ۸ دقیقه معمار، سرسام آور، زورچک. ۴ دقیقه تندیس لاورین، خرچنگ، گلابی، ۳ سوت شمالی، دالبر، تکمیل. ۶ ساعت! ناچیز، خرابه، آسیاب. ۱۵ دقیقه ناهار، کابین، چکیده. ۶ ساعت! غریزه، پیروز، دسیسه چینی، ۱۵ دقیقه پیاده سازی، بیخچال، بستنی، ۱۱ ساعت! نوسازی، اسناده، گلخانه، ۲۰ ثانیه! فقط می تونم بگم ممنونم بابت این همه پیگیری و تلاش، فعلا!

از اون لحاظ

تحلیل زندگی با توجه به روش

آنالیزور های برنامه ۹۰

امشب دوباره ۹۰ دارد و بسیاری از فوتبال دوستان پای تلویزیون ها میخکوب می شوند تا بعد از شرکت در نظر سنجی به امید برنده شدن یک میلیون تومان، کمی هم با تماشای دعای فوتبالی هاد دل شان خنک شود از این همه پولی که آن ها می گیرند و ما نمی گیریم! تا این جا همه چیز خوب پیش می رود تا یکهو عادل فردوسی پور می گوید: «فلان بازی را بچه های آنالیزور ما زحمت کشیدند و نگاه متفاوتی بهش داشتن، ببینیم و بعدش برمی گردیم تا برای اولین بار نتایج نظر سنجی رو ببینیم!» اگر تا این جای ۹۰ کسل و خواب آلود بودین، از این جا به علت ترک برداشتن سقف از تعجب و سوختن کولر به دلیل شاخ در آوردن از دست این تحلیل ها، خواب تان همچون برق ۳ فاز از سرتان می پرد! با این حال، من چند خط از زندگی سر صبح خودم را بر آن ها فرستادم تا آنالیز کنند و افقی جدید به رویم باز شود! و آن چند خط از زندگی من: «صبح از خواب بیدار شدم و میوایلم رو که داشت زنگ می خورد به زمین کوبیدم. داشتم از تشنگی هلاک می شدم و یک لیوان آب نوشیدم. چون دیر شده بود، با سرعت نور لباس هایم را پوشیدم و سر کار رفتم که دیدم جوایم را برعکس پوشیدم!» و تحلیل آنالیزور های محترم: «او بعد از سالوز تولدش، آدم دیگری شده است. با طلوع خورشید، پلک هایش را به آرامی باز می کند. به علت کرخی بدن در سر صبح، تافن همراه از دستش لیز می خورد و با زمین برخورد می کند. مزایای نوشیدن آب به صورت ناشتا بر هیچ فردی پوشیده نیست و این یکی از عادات های خوب است که نشان دهنده توجه ویژه او به سلامتی است. بسیار با برنامه است و همیشه زمانی بین ۱۰ تا ۱۵ ثانیه برای پوشیدن لباس صرف می کند تا بتواند از زندگی اش بهره عالی ببرد. نکته جالب دیگرش، دقت باور نکردنی اش به اسراف نکردن است. او روز در میان جوایب را برعکس می پوشد تا نیاز کمتری به شسته شدن و مصرف آب داشته باشد. او آدم فوق العاده ای است، این طور نیست؟»

ماوشما

* ۱۲ حقیقت جالب درباره افراد چپ دست اصلا جالب نبود. یعنی چی؟ ماها جادوگر و مجرمیم؟ کمی هم از راست دست ها بگین.

* در صفحه اول زندگی سلام اصلا از مطالبی که درباره دهه هشتادی ها گفتین، خوشم نیومد چون یک جواری به ما توهین کردین. چه از نظر درس، چه تیپ. * لطف کنید توی روزنامه تون مطالب مزخرف و ترسناک نذارید. گذاشتن عکس های متعلق به روح در صفحه زندگی سلام با هر جای روزنامه تون اصلا کار جالبی نیست. چرا باعث ایجاد ترس و دلهره می شوید؟ واقعا که.

* من یک نوجوان ۱۶ ساله ام و وقتی دیدم در صفحه اول روزنامه تون واسه دهه هشتادی ها مطلب نوشته بودید خیلی خوشحال شدم. علیرضا، مشهد

* ممنون به خاطر پرونده تون درباره کریستوفر نولان. * من از شما خیلی متشکرم به خاطر روزنامه خوبتون و مطالب شماره ۸۲۹ در باره نوجوان ها خیلی خوب بود.

* زینب خجسته، ۱۴ ساله، بیرجند * مطالب پرونده «آذهای روز کار» در زندگی سلام فوق العاده بود و دقیقا می توان گفت که مصداق شعر سعدی است که می گوید: «نابرده رنج، گنج میسر نمی شود» * کاظمی، کاشمر * مطلب نوجوانی به وقت امروز جالب بود. اگر میشه همین مطلب را برای خانم های دوران مختلف چاپ کنید. متشکرم! * اون خواندنی ها درباره چپ دست ها عالی بود. همیشه از این چیز ها بنویسید.

* داستانک چاپ شده به نام «کادوی کم درده» را خواندم و متحول شدم. چیزی که باعث تعجبم شد این بود که معمولا نشریات داستان هایی با چنین مفاهیمی را روز قبل از «روز پدر» چاپ می کردند تا شیرینی روز پدر را به کام پدران تلخ کنند. * عکس پاندا در دنیا به روایت تصویر خیلی خوشگله و روحیه آدم رو لطیف می کنه.

* بعد از خواندن این که چقدر به گاوها تو هندوستان احترام می دارن، چمدون هام رو بستم و دارم میرم هند به خاطر لفتی که بابام به من داده!

* پدر و مادر عزیزم، ممنون بابت همه زحمت هایی که برام کشیدین. از طرف پسره سربازتون محمدرضا

